

همگرایی آسیایی

فرصت‌ها و تهدیدات برای ایران

محسن شریعتی‌نیا

زهره توحیدی

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

تهران - ۱۳۹۳

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: شریعتی نیا، محسن، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور: همگرایی آسیایی: فرصت‌ها و تهدیدات برای ایران؛ [به سفارش] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۱-۶۷۳-۱

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: همگرایی‌های آسیایی

موضوع: همگرایی منطقه‌ای

موضوع: آسیا-همگرایی‌ها

موضوع: همگرایی منطقه‌ای

شناسه افزوده: توحیدی، زهرا، ۱۳۶۰

شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

شناسه افزوده: ایران. وزارت امور خارجه، اداره نشر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ هـ - ۸ ش ۱۳۰۴۱۳ H۱C

رده بندی دیویی: ۳۲۰.۹۵۰۰۵

شماره کتابشناسی: ۳۵۱۳۱۶۹

همگرایی آسیایی: فرصت‌ها و تهدیدات برای ایران

مؤلف: محسن شریعتی نیا، زهرا توحیدی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۳

همراهی امور نشر: بیتا طهرانیان

صفحه آرائی: اکرم خاکساریان

صفحه‌آرائی، طواری، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره نشر وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

نمایندگی و فروشگاه مرکزی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پاساژ ناشران، طبقه همکف، پلاک ۱۶/۲۲

تلفن فاکس: ۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۶۴۹۰۲۷

فروشگاه شماره ۲: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، جنب مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فهرست مطالب

مقدمه	۳
فصل اول: همگرایی منطقه‌ای در روابط بین‌الملل: بنیان‌های نظری	۷
درآمد	۷
۱- رئالیسم و محوریت تضاد در روابط بین‌الملل	۷
۲- نظریات لیبرالیستی روابط بین‌الملل و امکان‌پذیری همگرایی	۸
۱-۲- جریان‌های لیبرالیسم	۹
۳- رویکردهای نظری به همگرایی منطقه‌ای	۱۳
۴- آسیا و نظریات همگرایی	۲۱
فصل دوم: همگرایی آسیایی، تجربیات و چالش‌ها	۲۳
درآمد	۲۳
باندونگ: همگرایی آرمان‌گرایانه	۲۴
سیتو: همگرایی تحمیلی	۲۷
سنتو: همگرایی تحمیلی در غرب آسیا	۲۸
اکو: روند کند همگرایی	۲۸
قرائت‌های نوین از همگرایی آسیایی	۲۸
دولت‌های توسعه‌گرای آسیایی و معنا یافتن روند همگرایی آسیایی	۲۹
همگرایی آسیایی در دوران پساجنگ سرد	۳۲
چالش‌های روند همگرایی آسیایی	۳۴
فصل سوم: همگرایی آسیایی: بازیگران، اراده‌ها و طرح‌ها	۴۳
تفکر استراتژیک چین: توسعه‌گرایی و همکاری جویی	۴۳
چین، استراتژی کلان و رویکرد منطقه‌ای	۵۳
الف) از حل و فصل اختلافات مرزی تا مشارکت استراتژیک	۵۷
ب) مشارکت در سازمان‌های منطقه‌ای و شکل‌دهی به سازمان‌های جدید	۵۹
ژاپن و همگرایی آسیایی: گازهای پرنده	۷۰

۷۴	بازگشت گازهای پرنده.....
۸۳	هند: بازیگر قدیمی، بازیگر جدید.....
۹۵	فصل چهارم: نمودهای همگرایی شرق و غرب آسیا.....
۹۵	درآمد.....
۹۷	۱- انرژی پل شرق و غرب آسیا.....
۱۱۱	۲- تجارت و سرمایه‌گذاری.....
۱۱۳	۳- نیروی کار.....
۱۱۴	۴- تورسم.....
۱۱۶	۵- خطوط ارتباطی و خطوط انتقال انرژی.....
۱۲۳	۶- مبادلات فرهنگی.....
۱۲۳	۷- پیوندهای سیاسی.....
۱۲۷	۸- مبادلات تسلیحاتی.....
۱۲۹	جمع بندی.....
۱۳۱	فصل پنجم: ایران و همگرایی آسیایی.....
۱۳۱	درآمد.....
۱۳۲	۱- فرصت‌های سیاسی-استراتژیک.....
۱۴۱	۲- فرصت‌های اقتصادی.....
۱۴۵	۳- ارتقاء اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران.....
۱۴۹	۴- تهدیدات اقتصادی استراتژیک.....
۱۶۵	فهرست منابع.....

انتخاب استراتژیک ایران، آنگونه که از سند چشم‌انداز بیست ساله پیداست، نیل به جایگاه اول منطقه‌ای در حوزه‌های اقتصادی، علمی و فن‌آوری است. طبیعتاً این انتخاب بر سیاست خارجی کشور کارویژه‌های مشخصی را بار می‌کند؛ کار ویژه‌هایی که باید از طریق "تعامل سازنده و مؤثر" در روابط بین‌الملل پیگیری شوند. نویسندگان مدعی هستند که ایران برای تحقق انتخاب استراتژیک خود، نیازمند "گذار از تنهایی ژئوپلیتیک" است تا اولاً بتواند خود را به عنوان فرصتی جمعی و عضوی از پیکره جهانی تصویرسازی نماید و ثانیاً بیش از تطبیق با فرایندهای بین‌المللی، به آنها جهت تأمین منافع خویش، شکل دهد. در این جهت مهمترین کارویژه‌های سیاست خارجی متعصب با سند چشم‌انداز، باید زمینه‌سازی برای جذب منابع بین‌المللی توسعه‌ای از یکسو و تولید و حفظ ثبات در محیط امنیتی ایران در حوزه‌های پیرامونی، منطقه‌ای و بین‌المللی از دیگر سو باشد. یکی از الزامات اجرای این کارویژه‌ها، پیوند زدن کشور با فرایندهای بین‌المللی است تا از یک سو بتوان از فرصت‌های ناشی از این فرایندها بهره گرفت و از دیگر سو، تهدیدات ناشی از آنها را در محیط امنیتی کشور مدیریت نمود.

منطقه‌گرایی در آسیا، به ویژه با پیوستن چین، هند و ژاپن به عنوان بازیگران اصلی منطقه به آن، یکی از فرایندهای پراهمیت بین‌المللی است که ایران به عنوان بازیگری با موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز و دارای دستور کار توسعه‌گرایانه باید نسبت خود با این روند را در وجوه مختلف تبیین نماید. تبیین صحیح این نسبت می‌تواند گشایشی استراتژیک^۱ برای کشور پدید آورده و بخش مهمی از بن‌بست‌های سیاست خارجی کشور را رفع نماید.

ممکن است این موضوع مطرح شود که همگرایی در آسیا چندان ارتباطی با منافع ایران به عنوان کشوری خاورمیانه‌ای نمی‌تواند داشته باشد. در پاسخ، باید گفت که ایران به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی در هیچ منطقه‌ای نمی‌گنجد و در عین حال، با زیرسیستم‌های مختلف واجد پیوند است. نویسندگان معتقد است که ایران اساساً کشوری آسیایی است و هویت خاورمیانه‌ای تا حد قابل توجهی بر آن بار شده است. ایران در طول تاریخ دراز خود، همواره

^۱ - Strategic Opening

یکی از امپراطوری‌های معظم آسیایی بوده و اساساً واژه آسیا^۱ را که واژه ای یونانی است، اول بار هروُدوت در اشاره به امپراطوری معظم هخامنشی و برای تفکیک قائل شدن بین جهان یونانی و غیر یونانی به کار برده است.

تعاملات گسترده ایران با دو تمدن چین و هند که جاده ابریشم نماد آن به شمار می‌آید، خود گواهی برای مدعاست. نفوذ متقابل این سه تمدن بر یکدیگر به اندازه‌ای بوده که هنوز آثار آن پیداست. از این رو، آنچه اهمیت دارد، تعاملات گسترده ایران با سایر تمدن‌های آسیایی در طول تاریخ است. تعاریفی که در دوران پس از جنگ دوم جهانی از مناطق مختلف ارائه شده است، تعاریفی غربی است و معیار نام‌گذاری مناطق مختلف، نسبت جغرافیایی این مناطق و دوری و نزدیکی آنها به غرب بوده است. بنابراین، این تعاریف اعتباری است و در پژوهش حاضر آسیا بر مبنای هویت تاریخی آن تعریف شده و ایران، نه در خاورمیانه بلکه در جنوب غرب این منطقه قرار گرفته است.

ذکر این نکته ضروری است که موقعیت ایران با کشورهای تازه تأسیسی چون عربستان و امارات کاملاً متفاوت است. بر مبنای برخی دسته‌بندی‌ها، کشورها را بر اساس لحظه بنیادگذاری‌شان از هم متمایز می‌کنند. لحظه بنیادگذاری کشورهایی چون عربستان، به تحولات پس از جنگ دوم جهانی و زوال برخی امپراطوری‌ها برمی‌گردد و از این رو، این بازیگران در مراحل اولیه تکوین هویت ملی خود قرار دارند. در حالی که ایران از معدود کشورهای جهان است که لحظه بنیادگذاری آن به دوران باستان و تشکیل یک امپراطوری معظم و تاریخ‌ساز باز می‌گردد. ایران از انگشت‌شمار کشورهای آسیایی است که حدود سه هزار سال تداوم تاریخی دارد و نهاد دولت در آن، ریشه‌دار است. بنابراین چنین کشوری می‌تواند تعریف خاص خود را از مناطق داشته باشد و تعاریف موجود را اصلاح کند.

دقت در ادبیات روابط بین‌الملل در چین و هند (که سابقه تاریخی مشابهی با ایران دارند)، نشان می‌دهد که رویکرد غالب در این ادبیات، تعریف آسیا به عنوان یک قاره با زیرسیستم‌های مختلف است؛ به گونه‌ای که در ادبیات آنان، به جای خاورمیانه، عمدتاً واژه "آسیای غربی" به کار گرفته می‌شود. از همین روست که چین و هند در سال‌های اخیر، با کشورهای عربی وارد همکاری‌های چندجانبه شده‌اند و مکانیسم‌هایی چون مجمع چین-اعراب^۲ و همکاری نهادینه هند و شورای همکاری خلیج فارس از آن جمله‌اند. باز در همین چارچوب است که از جاده ابریشم

^۱-Asia

^۲-China-Arab Forum

جدید^۱ سخن می‌رود؛ جاده‌ای که در غرب آسیا تغییر مسیر داده و برخلاف جاده قدیم، نه از ایران بلکه از عربستان و امارات می‌گذرد (Simpfendorfer 2009, 54-62). با وقوع چنین تحولاتی، آیا ایران می‌تواند نقش پر عظمت خود در جاده ابریشم را با پیوند استراتژیک با همگرایی آسیایی بازابد؟ پژوهش حاضر، در پی یافتن پاسخی برای پرسش‌هایی از این دست است.

در این راستا، اثر حاضر در شش فصل ساماندهی شده است. در فصل نخست مبانی نظری همگرایی منطقه‌ای با تأکید بر تجربه این روند در آسیا مورد بحث قرار گرفته است. فصل دوم معطوف به بررسی تاریخی روند همگرایی آسیایی در دوره پس از جنگ دوم جهانی است تا در پرتو آن خواننده در فضای بحث قرار گیرد.

در فصل سوم ایده‌های رقیب برای پیشبرد روند همگرایی در آسیا با تأکید بر رویکردهای همگرایانه سه قدرت بزرگ این منطقه (چین، ژاپن و هند) مورد بحث قرار گرفته است. تأکید بر رویکردهای قدرت‌های بزرگ منطقه از آن روست که شکاف قدرت میان این بازیگران و سایرین بسیار است و در واقع روند همگرایی در آسیای امروز تا حد زیادی متأثر از رویکرد این قدرت‌هاست.

فصل چهارم به اشاعه روند همگرایی از شرق به غرب قاره آسیا یا به بیان بهتر نمودهای احیای جاده ابریشم می‌پردازد. اگرچه به طور تاریخی همگرایی آسیایی در غرب آسیا و با شکل‌گیری سازمان عمران منطقه‌ای در ۱۹۶۴ آغاز شد، اما به دلایلی این روند ناکام ماند و شرق آسیا پرچمدار این روند در قاره شد. در این فصل نمودهای همگرایی میان دو سوی قاره با تأکید بر نقش قدرت‌های بزرگ آسیایی مورد بحث واقع شده است. نهایتاً فصل پنجم معطوف به تبیین فرصت‌های و تهدیدات ناشی از روند همگرایی آسیایی بر ایران به عنوان مهمترین بازیگر در غرب این قاره و کشوری با ژئوپولیتیک چندگانه است.

محسن شریعتی‌نیا - زهرا توحیدی

تهران - ۱۳۹۳